

مجلسی، محمدباقر، بن محمد تقی، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ ق.
حلیه المتقین / تالیف علامه محمد باقر مجلسی. - تهران: زرین رود،
۱۳۸۳.

ISBN : 964-95305-4-1 ۴۹۲ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
۱. اخلاق شیعه. ۲. احادیث اخلاقی. ۳. شیعه - - شعائر و مراسم مذهبی.
۴. شیعه - - احتجاجات. ۵. رستاخیز. الف. عنوان.

۲۹۷/۶۱

BP ۲۴۷ / ۶۵ / م ۳۸

۱۳۸۳

م ۸۳-۱۵۴۸۸

کتابخانه ملی ایران



انتشارات زرین رود

- نام کتاب : حلیه المتقین
تالیف : علامه ملا محمد باقر مجلسی
ناشر : زرین رود
ناظر چاپ : میروس همتی
نوبت چاپ : اول ۱۳۸۴
لیتوگرافی : سمن
چاپ : افرنک
حروفچینی : امید
شمارگان : ۲۲۰۰ جلد
شابک : ۱ - ۴ - ۹۵۳۰۵ - ۹۶۴ - ISBN : 964-95305-4-1
آدرس : خیابان ۱۲ فروردین، بین چهارراه نظری و روانمهر پلاک ۸۸

سخن ناشر

خواننده‌ی گرامی، حضرت حق را شاکریم که دیگر بار فرصتی فراهم آورد تا در راستای پاسداری از ارزش‌های دیر سال فقه‌شیمه قدمی برداشته و کتاب ارزشمند حلیۃ المتقین را که طی سده‌ها الهام‌بخش زندگی فردی و اجتماعی دوست‌داران اهل بیت علیهم‌السلام بوده است به زیور طبع بیاراییم. امید که انتشار این رساله‌ی تربیتی - آیینی، بنیه‌ی علمی - اعتقادی هم‌میهنان عزیز به ویژه جوانان برومند اسلام را تقویت نموده و دریچه‌ای به سوی معنویت عظیم احادیث و روایات بگشاید.

... و اما آن‌چه که این نسخه را بر دیگر نسخ امتیاز می‌بخشد، این است که ما به قدر بضاعت کوشیده‌ایم تا این اثر گران‌سنگ را از سهوها، نقص‌ها، تکرارها و اشتباه‌های فاحش که چهره متبرک اسلام را خدشه دار می‌کند، مجرا سازیم، و دیگر این‌که، برای نخستین بار شرحی کوتاه از زندگی پربار علامه در پیشانی کتاب آورده‌ایم تا خواننده‌ی علاقه‌مند بیش از هر چیز با شخصیت، مدارج علمی و آثار پربار آن عالم ربانی آشنایی به هم رساند، و این همه میسر نمی‌شد مگر به عشق ولایت و اهل بیت علیهم‌السلام.

هرچه‌داری اگر به عشق دهی کافرم گر جوی زیان بینی

سال شمار زندگی علامه ملا محمد باقر مجلسی

در سال ۱۰۳۸ هـ - ق در شهر اصفهان، کودکی به دنیا آمد که روزگار جوانی اش را در دامن زنان با ایمان و با دانش خانه‌ی پدری، یعنی مادری عابد و عقیق و خواهری بافضیلت و پارسا گذراند.

خواهرش آمنه بیگم از نوابغ روزگار خود به شمار می‌رفت، تسلط آن بانوی عالمه بر مبانی فقهی تا بدانجا رسیده بود که همسرش "ملا صالح مازندرانی" که از علما و مدرسین بزرگ روزگار خود به شمار می‌آمد، گاه مشکلات رساله‌ی قواعد علامه^{*} را از او جویا می‌شد.

محمد باقر در خانواده‌ای زندگی می‌کرد که هر یک از افراد خانواده (در قرن دهم و یازدهم) از دانشمندان معروف زمان خود به شمار می‌آمدند.

پدر بزرگاش "ملا مقصود" از مروجین مذهب تشیع بود، وی به خاطر اشعار دلنشین و کلام زیبا و رفتار و گفتار پسنیدیده‌اش در محافل و مجالس به "مجلسی" اشتها یافته بود، و خاندان او نیز بعد از وی به این نام خوانده شدند.

پدر محمد باقر، علامه محمد تقی مجلسی یکی از سرآمدان روزگار خود در علوم عقلی و نقلی بود که خدمات ارزنده‌ای به فقه شیعه نمود، محمد تقی از محضر عالمانی همچون شیخ بهائی بهره برد و ورقی چند بر صحیفه‌ی علوم اسلامی - ایرانی افزود.
از جمله کتب و رسالاتی که او نوشت می‌توان از:

- ۱- احیاء الاحادیث فی شرح تهذیب‌الحديثا ۲- الاربعون حدیث ۳- حاشیه نقدالرجال ۴- حاشیه صحیفه سجادیه ۵- شرح زیارت جامع ۶- حدیقه‌المتقین فی معرفه احکام‌الدین لارتقاء معارج‌الیقین ۷- شرح صحیفه سجادیه به عربی ۸- روضه‌المتقین ۹- شرح صحیفه سجادیه به فارسی ۱۰- لوامع صاحب قرانی و از موضوعات و رسائل دیگر نام برد. ملا محمد تقی تمام عمر را به ریاضت و مجاهدت با نفس و عبادت و ترویج احادیث و روایات سپری کرد، و بر اثر تلاش و کوشش صادقانه‌ی او، احادیث اهل بیت در بلاد شیعه مذهب رواج یافت و بسیاری به همت او هدایت شده و دل به مهر اهل بیت بخشیدند، او پیوسته در میان مردم به دفاع از عقاید شیعه می‌پرداخت و محمد باقر کوچک نیز سلوک پدر را سرمشق خویش قرار داده و از چهار سالگی درس و بحث را در محضر پدر پی گرفت، چنان‌که می‌گویند در همان اوان، مفهوم بهشت و دوزخ را به درستی دریافته بود، و عبادات

*- کتاب قواعد الاحکام که به قواعد علامه شهره شده، یکی از تالیفات علامه حلی می‌باشد.

پنج‌گانه را به جماعت به جا می‌آورد، همچنین هم‌سالان خود را به یاری آیات و احادیثی که از پدر آموخته بود به نصیحت می‌نشست.

محمد باقر در اقیانوسی از زهد و دانش و معرفت غوطه می‌خورد، برادر بزرگ‌اش ملاعزیزالله که حاشیه بر تهذیب شیخ طوسی و حاشیه بر لایحف‌الغفیه را نوشته بود و برادر دیگرش ملاعبدالله، که حاشیه‌ی حدیقه‌المتقین را نگاشته است، از نخستین معلم‌ان‌اش بودند. همین‌طور دامادهای عالم‌اش مثل "ملاصالح مازندرانی" شارح کافی یا وحید شیروانی معروف به ملامیرزا، صاحب حواشی بر معالم، یا میرزاکمال‌الدین فسوی شارح کتاب شافیه و دیگری علامه‌ی فاضل ملامحمدعلی استرآبادی.

محمد باقر از کودکی به گلستان سجود راه یافت، او بر شانه‌های پدر می‌نشست، تا به هنگام، نماز را همراه امام مسجد اعظم اصفهان یعنی پدربزرگوارش به جماعت بگذارد. پدر نخستین کسی بود که پس از ظهور صفویه به جمع‌آوری و نشر احادیث شعیه پرداخت و بذر حراست از میراث اهل بیت را در دل بی‌قرار محمد باقر نوجوان کاشت.

از پس گذشت ایام، طلبه‌ی جوان نیز مراحل مختلف علمی را در حوزه‌ی علمیه، یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذاشت، نبوغ سرشار او به حدی بود که در سن چهارده‌سالگی از فیلسوف بزرگ اسلام، ملاصدرا، اجازه‌ی روایت گرفت و از آن پس در مکتب استادانی همچون علامه‌شوشتری، امیرمحمد مومن جزایری، شیخ حرّ عاملی، ملامحسن فیض کاشانی و ملامحسن استرآبادی به تلمذ نشست و از دریای دانش آن بزرگان بهره برد. هنوز بسیار جوان بود که بر صرف و نحو معانی و بیان، لغت و ریاضی، فلسفه و تاریخ، حدیث و علم‌الرجال، درایه و اصول، فقه و کلام تسلط کامل یافت و در ردیف استادان بزرگ حوزه قرار گرفت.

محمد باقر در عنفوان جوانی کرسی درس‌اش را در مدرسه‌ی ملاعبداله‌ترک کرد و از پس رحلت پدر بزرگوارش به مسجد جامع رخت کشید، هنگامی که در مسجد جامع اصفهان موعظه می‌کرد بزرگان حوزه برای نشان دادن ارادت خود به او و شناساندن ارزش علامه به طلاب جوان، پای درس او حاضر می‌شدند. می‌گویند هنگام درس گفتن علامه، صحن مسجد پُر می‌شد از طلاب جوان که گاه شمار ایشان از هزارفرونی می‌یافت، و از این خیل بی‌شمار، مردان بزرگی تربیت شدند که در این مقال تنها از چند چهره‌ی برجسته یاد می‌خواهیم داشت تا اندکی از عظمت علم و تقوای علامه را بازگفته باشیم، از آن میان می‌توان از میرمحمدحسین خاتون‌آبادی صاحب کتاب حلائق‌المقربین نام برد و دیگر از شیخ محمد اردبیلی مؤلف کتاب معروف جامع‌الرواة در علم الرجال، و میرزامحمد شهری

مولف تفسیر دقیق، و پرورده‌ی دیگر ایشان ابوالحسن شریف صاحب «جواهر» و بسیاری عالم و دانشمند و فقیه که ذکرشان در این مختصر نمی‌گنجد.

علامه محمدباقر مجلسی از همان جوانی به تجربه دریافت که خطر پرداختن به مباحث عقلی و دوری طلاب از روایات و احادیث، جامعه دینی را تهدید می‌کند و آن‌گونه که از استادش ملامحسن فیض کاشانی آموخته بود، بر آن بود، که اگر قرار است تا چراغ حوزه‌های علمیه در آینده هم‌چنان روشن بماند، باید با کم رنگ کردن علوم عقلی، علم تبعد را به زیور روایات و احادیث مزین کرد و به صفحه‌ی درس و بحث کشاند. او شاگردان‌اش را به نوشتن شرح بر کتب اربعه^۱ تشویق می‌کرد و پاداش این تلاش را اجازه نامه‌ی خود بر پشت نسخه‌های تحریرشده قرار می‌داد. علامه می‌دانست که تدریس کتب اربعه و توجه به کتاب‌هایی هم‌چون «ارشاد مفیدی»، صحیفه سجادیه و قواعد علامه^۲، این کتاب‌ها را از مهجور ماندن و غبار فراموشی گرفتن و نابودی نجات خواهد داد. او با همتی عالی گوهرهای گران بهای خاندان رسالت را از گوشه و کنار گردآورد و در مجموعه‌ای با نام زیبای «بحارالانوار» به رشته‌ی تحریر درآورد تا گنجی تمام ناشدنی در اختیار طلاب شریعت و آحاد شیعیان قرار دهد، تا هر زمان که مومنی رانیاز افتد با مراجعه به «بحار» راستی و ناراستی راه خویش را دریابد. در کتاب گران مایه‌ی «بخار» قریب به سه‌هزار باب طی چهل‌وهشت مجلد به نگارش آمده‌است که شامل هزاران هزار حدیث می‌شود.

بعد از فوت مرحوم ملامحمدباقر سبزواری در سال ۱۰۹۰، علامه به منصب شیخ الاسلامی نائل آمد و تا پایان عمر که به مقامی والا تر یعنی «ملاباشی» دست یافت در دربار صفوی به یاری شاهان اسلام پناه، کشور را از دسایس بیگانگان در امان داشت و رعیت را در حق و حقوق دستگیر شد.

شیخ الاسلامی، عالی‌ترین مقام قضایی و دینی در دربار صفوی بود و از جمله وظایف این مقام، رسیده‌گی به اموال غایبین و یتیمان و امور بی‌پناهان و پرونده‌های مردم بود. علامه حالا دیگر نه تنها فقیه که شیخ شهر نیز بود و علق شیعی او، او را وامی داشت تا از همه‌ی آن‌چه در بلاد ایران می‌گذشت با خبر باشد و کوچک‌ترین حرکت ضد مذهبی و انحراف و ارتداد را از نظر دور ندارد، او در مقابل هر منکری چهره در هم می‌کشید و مقابل هر بدعتی، بدون کمترین گذشتی فتوا صادر می‌کرد و فرقه‌های مختلف الحادی و التقاطی

۱- کتب اربعه عبارت از ۱- اصول کافی نوشته‌ی نفع الاسلام محمد یعقوب گلینی ۲- من لایحضره الفقیه

نوشته‌ی شیخ صدوق ۳- تهذیب نوشته‌ی شیخ طوسی ۴- استبصار نوشته‌ی شیخ طوسی

را امان نمی‌داد تا در سرزمین تشیع آرام گیرند. در همین حال برای جدانماندن جامعه از باورها و اعتقاداتش شروع به ترجمه‌ی دعاها، سوره‌ها و قصاید دینی نمود، او هیچ‌گاه مردم کوچه و بازار را از نظر دور نمی‌داشت و پیوسته به نیازهای آن‌ها پاسخ می‌گفت. علامه با توجه به نیاز روزافزون فرهنگی مردم زمان خود، دست به نگارش رسالات و کُتب گوناگون زد، زمانی که می‌پنداشت مردمان به علم نجوم نیازمندند کتاب 'اختیارات' را می‌نگاشت و چون در می‌یافت که جامعه به جدایی از اعتقادات سوق داده می‌شود 'عین‌الحیة' را به رشته‌ی تحریر در می‌آورد. در این جا نگاهی خواهیم داشت به تألیفات عربی علامه که عبارت است از:

۱- رساله فی الشکوک ۲- مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول در شرح اصول کافی ۳- المسائل الهندیه ۴- ملاذال اخبار فی شرح المذیب ه- رساله اوزان ع- الفوائد الطریقه فی شرح الصحیفه سجادیه ۷- شرح اربعین ۸- الوجیزه فی الرجال.

تألیفات فارسی آن دانشمند روحانی عبارت است از: ۱- حق‌الیقین ۲- عین‌الحیة ۳- حیوة القلوب ۴- مشکوة الانوار ه- جلاء‌العیون ع- زادالمعاد ۷- تحفة الزائر ۸- مقیاس المصابیح ۹- ربیع الاسابیح ۱۰- رساله در شکوک ۱۱- رساله دیات ۱۲- رساله در اوقات ۱۳- رساله در جعفر ۱۴- رساله در بهشت و دوزخ ۱۵- رساله اختیارات ایام ۱۶- ترجمه عهدنامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر ۱۷- مشکاة الانوار ۱۸- در آداب قرائت ۱۹- قران و دعا ۲۰- شرح دعا جوشن کبیر ۲۱- رساله در رجعت ۲۲- رساله در آداب نماز ۲۳- رساله در زکوة و بالاخره کتاب شیرین حلیة المتقین.

علامه در مقدمه‌ی حلیة المتقین آورده است که 'جمعی از سالکان مسالک سعادت و ناهجان منافع متابعت اهل بیت رسالت علیهم‌السلام از این ذریه‌ی حقیر التماس نمودند که رساله‌ای در بیان محاسن آداب که از طریقۀ مستقیمه ائمه‌طاهرین صلوات‌الله علیهم به آسانید معتبره به این قلیل البضاعه رسیده باشد بوجه اختصار تحریر نمایم... و نتیجه‌ی آن تلاش عظیم کتابی‌ست که پیش‌رو دارید.

و بالاخره در بیست و هفتمین روز از ماه مبارک رمضان سال ۱۱۱۱ هـ- ق علامه محمدباقر مجلسی که هفتاد و چهار رمضان از عمر پربارش می‌گذشت، در آستانه‌ی از هم پاشیده‌گی دولت صفوی، به روزگار هجوم قحطی و گرسنگی و افاغنه به ایران، و در آستانه‌ی سقوط پایتخت شاهان صفوی، اصفهان، جان به جان آفرین تسلیم کرد تا در دیار باقی سربر آستان ذریه‌ی رسول خدا و معصومین علیهم‌السلام بساید. روح‌اش قرین رحمت باد.

۱۷	باب اول
۱۸	فصل اول
۱۸	در فضیلتِ تجمل و زینت کردن
۲۱	فصل دوم
۲۱	در بیان جامه‌هایی که حرام است پوشیدن آن‌ها
۲۳	فصل سوم
۲۳	در پوشیدن پنبه و کتان و پشم
۲۵	فصل چهارم
۲۵	در بیان رنگ‌هایی که در جامه، سنت یا مکروه است
۲۷	فصل پنجم
۲۷	در بعضی از آداب جامه پوشیدن
۲۸	فصل ششم
۲۸	در پوشیدن لباسی که مخصوص زنان کافر باشد
۲۹	فصل هفتم
۲۹	در بیان عمامه بستن
۳۱	فصل هشتم
۳۱	در بیان آداب زیر جامه پوشیدن
۳۲	فصل نهم
۳۲	در آداب جامه‌ی نو بریدن و پوشیدن
۳۴	فصل دهم
۳۴	در سایر آداب پوشیدن و کندن
۳۶	فصل یازدهم
۳۶	در رنگ نعلین و موزه و کفش و چه گونه‌گی آن‌ها
۳۸	فصل دوازدهم
۳۸	در آداب پوشیدن نعل و موزه و کفش

باب دوم.....	۴۱
فصل اول.....	۴۲
در فضیلت انگشتر به دست کردن و آداب آن.....	۴۲
فصل دوم.....	۴۴
در بیان آن چه انگشتر از آن سازند.....	۴۴
فصل سوم.....	۴۵
در فضیلت عقیق.....	۴۵
فصل چهارم.....	۴۸
در فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد.....	۴۸
فصل پنجم.....	۴۹
در فضیلت فیروزه و جزع یمانی.....	۴۹
فصل ششم.....	۵۱
در فضیلت دُر نجف و بلور و حدید صینی و.....	۵۱
فصل هفتم.....	۵۳
در بیان آن چه سزاوار است که در نگین نقش کنند.....	۵۳
فصل هشتم.....	۵۸
در زیور طلا و نقره پوشیدن و به زنان و اطفال پوشانیدن.....	۵۸
فصل نهم.....	۶۰
در آداب سُرمه کشیدن.....	۶۰
فصل دهم.....	۶۲
در آداب نظر به آینه کردن.....	۶۲
فصل یازدهم.....	۶۴
در فضیلت خضاب کردن مردان و زنان.....	۶۴
فصل دوازدهم.....	۶۷
در کیفیت خضاب و احکام آن.....	۶۷

۶۹	باب سوم
۷۰	فصل اول
۷۰	در بیان ظرف‌هایی که در خوردن و آشامیدن و.....
۷۳	فصل دوم
۷۳	در تجویز خوردن طعام‌های لذیذ و.....
۷۶	فصل سوم
۷۶	در بیان بعضی از آداب و اوقات طعام خوردن
۸۰	فصل چهارم
۸۰	در سایر آداب طعام خوردن
۸۶	فصل پنجم
۸۶	در بیان دعای وقت طعام خوردن
۸۹	فصل ششم
۸۹	در آداب بعد از طعام
۹۱	فصل هفتم
۹۱	در فضیلت نان، سویق، گوشت، روغن و.....
۱۰۰	فصل هشتم
۱۰۰	در فواید سبزی‌ها و میوه‌ها و سایر مأكولات
۱۰۹	فصل نهم
۱۰۹	در فضیلت ضیافت مؤمنان و آداب آن
۱۱۳	فصل دهم
۱۱۳	در فضیلت خلال و آداب آن
۱۱۵	فصل یازدهم
۱۱۵	در فضیلت آب و انواع آن
۱۱۸	فصل دوازدهم
۱۱۸	در آداب آب خوردن

باب چهارم	۱۳۲
فصل اول	۱۳۳
در فضیلت ترویج کردن و نهی از رهبانیت	۱۳۳
فصل دوم	۱۳۵
در اصناف زنان و صفات پسندیده و ناپسندیده ایشان	۱۳۵
فصل سوم	۱۳۸
در آداب نکاح و اراده‌ی آن	۱۳۸
فصل چهارم	۱۳۰
در بیان آداب زفاف و مجامعت	۱۳۰
فصل پنجم	۱۳۶
در آداب نماز و دعا در شب زفاف و	۱۳۶
فصل ششم	۱۳۸
در بیان حق زن و شوهر بر یکدیگر و احکام ایشان	۱۳۸
فصل هفتم	۱۴۲
در بیان دعا‌های طلب فرزند و فضیلت آن	۱۴۲
فصل هشتم	۱۴۶
در احکام ایام حمل و نقل و آداب روز ولادت و نام نهادن طفل	۱۴۶
فصل نهم	۱۵۱
در عقیقه کردن و سر تراشیدن و آداب هر یک	۱۵۱
فصل دهم	۱۵۴
در ختنه کردن پسران و دختران و سوراخ کردن گوش ایشان و آداب هر یک	۱۵۴
فصل یازدهم	۱۵۷
در آداب شیر دادن و تربیت کردن فرزندان و رعایت ایشان	۱۵۷
فصل دوازدهم	۱۶۲
در بیان حق پدر و مادر بر فرزند و وجوب رعایت حرمت ایشان	۱۶۲

۱۶۶	باب پنجم
۱۶۷	فصل اول
۱۶۷	در بیان فضیلت مسواک کردن
۱۷۰	فصل دوم
۱۷۰	در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن
۱۷۲	فصل سوم
۱۷۲	در آداب موی سر نگاهداشتن مردان و زنان
۱۷۴	فصل چهارم
۱۷۴	در فضیلت شارب گرفتن، یعنی موی لب بالا را تا ته گرفتن
۱۷۵	فصل پنجم
۱۷۵	در آداب ریش بلند کردن
۱۷۷	فصل ششم
۱۷۷	در بیان فضیلت موی سفید و حکم کندن آن
۱۷۹	فصل هفتم
۱۷۹	در کندن موی بینی و بازی کردن با ریش
۱۸۰	فصل هشتم
۱۸۰	در فضیلت ناخن گرفتن
۱۸۱	فصل نهم
۱۸۱	در بیان آداب و اوقات ناخن گرفتن
۱۸۴	فصل دهم
۱۸۴	در دفن کردن مو و ناخن و سایر چیزها که دفن باید کرد
۱۸۵	فصل یازدهم
۱۸۵	در فضیلت شانه کردن موی سر و ریش
۱۸۶	فصل دوازدهم
۱۸۶	در آداب و اوقات شانه کردن و انواع شانه ها

۱۸۸	باب ششم
۱۸۹	فصل اول
۱۸۹	در بیان سبب پیدا شدن بوهای خوش در زمین
۱۹۰	فصل دوم
۱۹۰	در فضیلت بوی خوش و آداب آن
۱۹۲	فصل سوم
۱۹۲	در کراهت رد کردن بوی خوش
۱۹۳	فصل چهارم
۱۹۳	در فضیلت مُشک و عنبر و زعفران
۱۹۵	فصل پنجم
۱۹۵	در فضیلت غالیه
۱۹۷	فصل ششم
۱۹۷	در فضیلت و آداب روغن بر بدن مالیدن
۱۹۸	فصل هفتم
۱۹۸	در فواید روغن بنفشه
۱۹۹	فصل هشتم
۱۹۹	در فواید روغنِ بان و روغنِ زنبق
۲۰۰	فصل نهم
۲۰۰	در فواید سایر روغن‌ها
۲۰۱	فصل دهم
۲۰۱	در فضیلت بُخور و انواع و آداب آن
۲۰۳	فصل یازدهم
۲۰۳	در بیان فضیلت گلاب و گلِ سرخ و انواع گل‌ها
۲۰۵	فصل دوازدهم
۲۰۵	در آداب گل بوئیدن

باب هفتم	۲۰۶
فصل اول	۲۰۷
در فضیلت حمام	۲۰۷
فصل دوم	۲۰۸
در آداب داخل شدن به حمام و بیرون آمدن و دعا‌هایی که باید خواند	۲۰۹
فصل سوم	۲۱۱
در بیان آن چه در حمام نباید کرد و آن چه تجویز شده است	۲۱۱
فصل چهارم	۲۱۳
در فضیلت شستن سز و بدن و دفع بوهای بد از خود	۲۱۳
فصل پنجم	۲۱۵
در فضیلت شستن سز با سدر و خطمی	۲۱۵
فصل ششم	۲۱۷
در فضیلت دارو کشیدن	۲۱۷
فصل هفتم	۲۱۸
در ازاله کردن موی زیر بغل	۲۱۸
فصل هشتم	۲۱۹
در غایت زمانی که نوره را تأخیر توان کرد	۲۱۹
فصل نهم	۲۲۰
در دعا‌های وقت نوره کشیدن	۲۲۰
فصل دهم	۲۲۱
در اوقات نوره کشیدن و سایر آداب آن	۲۲۱
فصل یازدهم	۲۲۳
در فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره	۲۲۳
فصل دوازدهم	۲۲۴
در آداب غسل جمعه و سایر اغسال	۲۲۴

۲۲۹	باب هشتم
۲۳۰	فصل اول
۲۳۰	در بیان اوقات خواب
۲۳۲	فصل دوم
۲۳۲	در وضو ساختن پیش از خواب
۲۳۴	فصل سوم
۲۳۴	در مکان خوابیدن و آداب پیش از خوابیدن
۲۳۶	فصل چهارم
۲۳۶	در سایر آداب خوابیدن
۲۳۷	فصل پنجم
۲۳۷	در آداب و ادعیه‌ی که پیش از خواب باید خوانده شود
۲۴۱	فصل ششم
۲۴۱	در موقع ترسیدن در خواب و
۲۴۳	فصل هفتم
۲۴۳	در دعاها برای رفع بیداری و
۲۴۵	فصل هشتم
۲۴۵	در بیان نماز و دعا برای خواب‌های نیک دیدن
۲۴۷	فصل نهم
۲۴۷	در سبب خواب راست و دروغ و تعبیر خواب
۲۵۴	فصل دهم
۲۵۴	در آداب بیداری و مذمت خواب بسیار
۲۵۷	فصل یازدهم
۲۵۷	در آداب بیت الخلاء
۲۶۰	فصل دوازدهم
۲۶۰	در بیان احوال و اوضاع و مکان‌هایی که نهی از آنها وارد شده است

باب نهم	۲۶۳
فصل اول	۲۶۴
در ثواب بیماری و صبر کردن بر آن و.....	۲۶۴
فصل دوم	۲۶۸
در فضیلت و آداب حجامت	۲۶۸
فصل سوم	۲۷۳
در بیان انواع تداوی که از آنکه وارد شده است	۲۷۳
فصل چهارم	۲۷۸
در معالجه‌ی انواع تب	۲۷۸
فصل پنجم	۲۸۳
در ادعیه‌ی جامعه و ادویه‌ی مرکبه‌ی نافع	۲۸۳
فصل ششم	۲۸۹
در معالجه‌ی دردسر و شقیقه و زکام و صرع و.....	۲۸۹
فصل هفتم	۲۹۲
در معالجه‌ی سایر امراض و درد سز و گلو	۲۹۲
فصل هشتم	۲۹۸
در معالجه‌ی خنازیر و قروح و جروح و ثالول و ثبور و.....	۲۹۸
فصل نهم	۳۰۲
در معالجه‌ی امراض اندرونی و قولنج و بادها و.....	۳۰۲
فصل دهم	۳۰۷
در معالجه‌ی اوجاع مفاصل و فالج و بواسیر و.....	۳۰۷
فصل یازدهم	۳۱۲
در بیان قلیلی از تعویذات برای دفع سحر و.....	۳۱۲
فصل دوازدهم	۳۱۸
در فواید تربت شریف حضرت امام حسین و.....	۳۱۸

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳۲۵	باب دهم.....
۳۲۶	فصل اول.....
۳۲۶	در بیانِ حقوقِ خویشان و غلامان و کنیزان.....
۳۳۰	فصل دوم.....
۳۳۰	در حقوقِ همسایگان و یتیمان و عشیره و قبیله.....
۳۳۴	فصل سوم.....
۳۳۴	در حقوقِ صداقت و اخوت.....
۳۳۷	فصل چهارم.....
۳۳۷	در بیانِ حقوقِ مؤمنان بر یکدیگر و حُسن معاشرت با خلق.....
۳۴۰	فصل پنجم.....
۳۴۰	در قضای حاجتِ مؤمنان و سعی نمودن در کارهای ایشان.....
۳۴۶	فصل ششم.....
۳۴۶	در دیدنِ مؤمنان و عیادتِ بیمارانِ ایشان.....
۳۵۰	فصل هفتم.....
۳۵۰	در اطعامِ مؤمنان و آب دادنِ ایشان و جامه پوشانیدن و... ..
۳۵۳	فصل هشتم.....
۳۵۳	در حقوقِ فقیران و ضعیفان و مظلومان و پیران و... ..
۳۶۰	فصل نهم.....
۳۶۰	در رعایتِ حقوقِ مؤمنان در غیبتِ ایشان.....
۳۶۵	فصل دهم.....
۳۶۵	در آدابِ معاشرتِ ظالمان و قلیلی از احوالِ ایشان.....
۳۷۲	فصل یازدهم.....
۳۷۲	در آدابِ معاشرت با کافران و مخالفان.....
۳۷۴	فصل دوازدهم.....
۳۷۴	در بیانِ حقوقِ مردگان.....

باب یازدهم.....	۳۸۳
فصل اول.....	۳۸۴
در فضیلت سلام و آداب آن.....	۳۸۴
فصل دوم.....	۳۸۷
در فضیلت مصافحه، یعنی دستِ یک دیگر را گرفتن و.....	۳۸۷
معانقه، یعنی دست در گردنِ یک دیگر کردن و بوسیدن و آداب هر یک.....	۳۸۷
فصل سوم.....	۳۹۱
در آداب نشستنِ مجالس.....	۳۹۱
فصل چهارم.....	۳۹۴
در آداب ملاقاتِ صاحب خانه با کسی که به خانه او می آید.....	۳۹۴
فصل پنجم.....	۳۹۶
در بیانِ مجالسی که در آن جا داخل شدن رواست و.....	۳۹۶
فصل ششم.....	۴۰۰
در آداب عطسه و آروغ و آب دهان انداختن.....	۴۰۰
فصل هفتم.....	۴۰۳
در بیانِ مزاح کردن و خندیدن و سرگوشی کردن و.....	۴۰۳
آدابِ صحبت داشتن و راز مجلس را پنهان داشتن.....	۴۰۳
فصل هشتم.....	۴۰۵
در سایرِ آدابِ مجالست و حقوقِ اصحاب مجلس بر یک دیگر.....	۴۰۵
فصل نهم.....	۴۰۸
در فضیلتِ ذکر خدا در مجالس از حضرت رسول (ص).....	۴۰۸
فصل دهم.....	۴۱۰
در فضیلتِ ذکر حضرت رسول خدا و ائمه علیهم السلام.....	۴۱۰
در مجالس و مباحثه‌ی علوم ایشان نمودن و احادیث فضایل ایشان یاد کردن.....	۴۱۰
فصل یازدهم.....	۴۱۳
در مشورت کردن با برادران و آداب آن.....	۴۱۳
فصل دوازدهم.....	۴۱۵
در آداب نامه نوشتن.....	۴۱۵

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۴۱۷.....	باب دوازدهم.....
۴۱۸.....	فصل اول.....
۴۱۸.....	در گشاده‌گی خانه.....
۴۲۰.....	فصل دوم.....
۴۲۰.....	در مذمتِ تکلف بسیار در خانه کردن و... ..
۴۲۲.....	فصل سوم.....
۴۲۲.....	در نقاشی کردن و تصویر کشیدن و صورت صاحب روحی.....
۴۲۴.....	فصل چهارم.....
۴۲۴.....	در آدابِ فرشِ خانه.....
۴۲۶.....	فصل پنجم.....
۴۲۶.....	در آدابِ عبادت کردن در خانه.....
۴۲۸.....	فصل ششم.....
۴۲۸.....	در نگاه داشتنِ حیوانات در خانه و... ..
۴۳۱.....	فصل هفتم.....
۴۳۱.....	در نگاه داشتنِ گوسفند و بز در خانه.....
۴۳۳.....	فصل هشتم.....
۴۳۳.....	در بیانِ احوالِ سایر طیور و ذکر بعضی از حیوانات و... ..
۴۳۷.....	فصل نهم.....
۴۳۷.....	در مرغ از نگاه داشتنِ سگ در خانه.....
۴۴۰.....	فصل دهم.....
۴۴۰.....	در آدابِ چراغ افروختن و خانه خریدن.....
۴۴۲.....	فصل یازدهم.....
۴۴۲.....	در بیانِ سایرِ آدابِ خانه.....
۴۴۵.....	فصل دوازدهم.....
۴۴۵.....	در آدابِ داخل شدن و بیرون رفتن.....
۴۴۸.....	باب سیزدهم.....
۴۴۹.....	فصل اول.....

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴۴۹	در سوار شدن اسب و استر و الاغ و انواع هر یک
۴۵۲	فصل دوم
۴۵۲	در آداب نگاه داشتن و رعایت حقوق چهارپایان
۴۵۵	فصل سوم
۴۵۵	در آداب زین و لجام
۴۵۷	فصل چهارم
۴۵۷	در ادعیه و آداب سواری
۴۶۰	فصل پنجم
۴۶۰	در آداب پیاده رفتن
۴۶۲	فصل ششم
۴۶۲	در نگاه داشتن شتر و گاو و گوسفند
۴۶۴	فصل هفتم
۴۶۴	در آداب خریدن و نگاه داشتن حیوانات
۴۶۶	فصل هشتم
۴۶۶	در بیان مجمل احوال و اقسام حیوانات
۴۶۹	فصل نهم
۴۶۹	در فضیلت تجارت کردن و طلب حلال نمودن
۴۷۲	فصل دهم
۴۷۲	در بیان آداب تجارت
۴۷۸	فصل یازدهم
۴۷۸	در فضیلت زراعت کردن و درخت کاشتن
۴۸۰	فصل دوازدهم
۴۸۰	در آداب زراعت کردن و درخت کاشتن
۴۸۳	باب چهاردهم
۴۸۴	فصل اول
۴۸۴	در بیان سفرهای نیک و بد و ایام و ساعات و ...
۴۸۶	فصل دوم

۴۸۶	در دفعِ نحوست‌های سفر به تصدقِ دعا
۴۸۹	فصلِ سوم
۴۸۹	در آدابِ غسل و نماز و دعا در وقتِ بیرون رفتن
۴۹۳	فصلِ چهارم
۴۹۳	در سایرِ آدابِ بیرون رفتن و ...
۴۹۶	فصلِ پنجم
۴۹۶	در آدابِ توشه برداشتن در سفر و ...
۴۹۸	فصلِ ششم
۴۹۸	در رفیق با خود بردن در سفر و ...
۵۰۰	فصلِ هفتم
۵۰۰	در بیانِ سایرِ آدابِ سفر
۵۰۳	فصلِ هشتم
۵۰۳	در آدابِ راه رفتن و فرود آمدن
۵۰۵	فصلِ نهم
۵۰۵	در بیانِ دعا‌هایی که در راه و منازل باید خوانند
۵۰۹	فصلِ دهم
۵۰۹	در آدابِ سفرِ دریا و گذشتن از پل‌ها
۵۱۱	فصلِ یازدهم
۵۱۱	در آدابِ مشایعت و استقبالِ مسافر و ...
۵۱۳	فصلِ دوازدهم
۵۱۳	در آدابِ اسب تاختن و تیرانداختن
۵۱۹	خاتمه
۵۱۹	در بیانِ بعضی از آدابِ متفرقه و فواید نافع

سخن مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَىٰ لِنَبِيِّنَا أَلَمْ نَقُلْ لَهُمْ إِنَّكَ كَاشِفُ الْكَافَرِينَ وَ نَعْتُ نُحِبُّهُ أَصْفِيَانَهُ مُحَمَّدًا ﷺ لِيَتَمِّمَ مَكَارِمَ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَكْمَلَ فِي أَوْصِيَانِهِ الْمُنتَخِبِينَ أَفْضَلَ خِصَالِ النَّبِيِّينَ فَصَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ عَدَدُ أَنْفَاسِ الْمُسْتَبَحِينَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَىٰ أَغْدَانِهِمْ مِلَاءَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ.

اما بعد چنین گوید: تراب اقدام مؤمنین و خادم طلبه‌ی علوم ائمه طاهرین محمدباقر بن محمدتقی خَشَرَهُ اللَّهُ مَعَ مَوَالِيهِ الْمُطَهَّرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. که چون عمده‌ی امتیاز بنی نوع انسان، از سایر انواع حیوان، تخلق به اخلاق حسنه و تزئین به آداب مستحسنه است و به مقتضای حدیث شریف نبوی صلوات الله علیه و آله که بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. تمامی آداب پسندیده و جمیع اخلاق حمیده در شرع انور و دین آن حضرت، ظاهر و مبین گردیده و چون مختصری از مکارم اخلاق در کتاب عین الحیوة بیان شده بود جمعی از سالکان مسالک سعادت و ناهجان مناهج متابعت اهل بیت رسالت علیهم السلام، از این ذره‌ی حقیر التماس نمودند که رساله‌یی در بیان محاسن آداب، که از طریقه‌ی مستقیمه‌ی ائمه طاهرین صلوات الله علیهم به اسانید معتبره، به این قلیل البضاعه رسیده باشد بر وجه اختصار تحریر نماید و به جهت عموم نفع، نسبت به اهل این دیار، مضامین اخبار را در لباس لغت فارسی قریب الفهم، به جلوه درآورد. لهذا باضیق مجال و کثرت اشتغال رعایت حقوق اخوت ایمانی را لازم دانسته و از مقتضای حدیث الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ امیدوار گردیده اجابت ملتمس ایشان نموده و بر چهارده باب و خاتمه مرتب گردانید.

باب اول - در آداب پوشیدن لباس

باب دوم - در آداب حلی و زیور پوشیدن و سرمه کشیدن و در آینه نظر کردن و خضاب کردن

باب سوم - در آداب خوردن و آشامیدن

باب چهارم - در فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان

باب پنجم - در آداب مسواک کردن و ناخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و شانه کردن و امثال این‌ها.

باب ششم - در آداب بوی خوش استعمال کردن و گل خوش بوییدن و روغن مالیدن.
باب هفتم - در آداب حمام رفتن و دارو کشیدن و امثال آن
باب هشتم در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن
باب نهم - در آداب حجامت و تنقیه و ذکر بعضی از ادعیه و احراز خواص بعضی از ادویه
و معالجه‌ی بعضی از امراض.

باب دهم - در آداب معاشرت مؤمنان و حقوق و اصناف ایشان
باب یازدهم - در آداب مجالس و سلام و عطسه و مصافحه و معانقه و امثال این‌ها
باب دوازدهم - در آداب داخل شدن و بیرون رفتن
باب سیزدهم - در آداب سوار شدن و راه رفتن و بازار رفتن و تجارت و زراعت نمودن و
چهارپایان را نگاه داشتن
باب چهاردهم - در آداب سفر کردن.

خاتمه در بیان بعضی از فواید متفرقه و هر یک از ابواب را بر دوازده فصل مشتمل ساخت و
به کتاب حلیۃ المتّقین مسمّی گردانید.

مأمول از ناظران در این رساله‌ی شافیه و عاملان به این عجاله‌ی وافیه آن‌که این مجرم
خطا پیشه را به دعای مغفرت و استدعای رحمت یاد نمایند و بر خطای لفظ و معنی، این
معتترف به عجز و قصور را مواخذہ ننمایند و الله الموفق المعین.